

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۵۴ و ۸۸۹۳۴۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۶۴۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹

تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۶ صفر ۱۴۴۴ • ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۷۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰ • اذان مغرب ۱۹:۳۳

اذان صبح فردا ۵:۲۱ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

شرق

مری و مکس - آدام البوت - ۲۰۰۹

مکس: «مردم اغلب اوقات فکر می‌کنن که من بی‌نزاکت و گستاخم.

من نمی‌تونم بفهمم که چطور صداقت می‌تونه ناشایست تلقی بشه.

شاید این دلپیش باشه که من هیچ دوستی ندارم.»

دیالوگ روز



• استراحت زائرین در طبقه سوم پارکینگ طبقاتی در نجف اشرف.
عکس: سهند ناکی/شرق

نفت بر آتش

و سازمان‌هایشان بر سیستم اجتماعی سلامت محدود می‌شود، نظرات‌شان نادیده گرفته می‌شود، کوچک‌ترین روزنه برای پذیرفتن نقش ایشان در حل بحران سلامت باز نمی‌شود و در ایفای وظیفه اجتماعی پزشکان (وظیفه‌ای که برای آن سوگند خورده‌اند)، مانع ایجاد می‌کنند. این حالتی است که جز محدودیت بر آن نامی نمی‌توان نهاد؛ محدودیتی که رنج‌های پزشکان در آن اهمیتی هزار بار کمتر از تأثیر آن بر سیستم سلامت دارد.

وقتی تمام مناصب دانشگاهی مستقل از اراده دانشگاهیان و بدون توجه به تمام سیستم‌های ارتقای آکادمیک دنیا از بالا و شبیه انتصابات در بانک و… انجام می‌شود و رئیس منصوب هیچ دستورالعملی برای اداره امور با نظر دانشگاهیان ندارد و حتی با فراغ بال می‌تواند با رفتار و گفتار تند و غریب خود به شکل دلیل موجهی برای مهاجرت دربیاید، وقتی مجامع پزشکی تحت قوانین رسمی کشور و حتی با تحدیداتی انتخاب می‌شوند اما کوچک‌ترین نقشی در تصمیمات سلامت از قبیل تعرفه ندارند و رئیس سازمان نظام پزشکی در مسائل کلان تنها قادر به صدور بیانیه است و نه بیشتر، وقتی مدیران گروه‌ها و بخش‌ها هیچ نقشی در تقسیم منابع مالی، دریافتی پزشکان گروه و حتی خرید وسایل ندارند، وقتی استادان هیچ نقشی در پذیرش و فارغ‌التحصیلی

هفته گذشته نجواهایی شنیده شد در

مقابله با مهاجرت پزشکان، متأسفانه اینها گفته‌هایی از جنس همان سیاست‌هایی بود که علت اساسی مهاجرت پزشکان به‌شمار می‌روند. راه‌حل نجواشده آن‌قدر سطحی است که حتی نمی‌توان آن را بر زبان آورد.

این نوع برخوردها می‌تواند سرعت مهاجرت پزشکان را تسلسلی سرگیجه‌آور ببخشد. نفتی است که بر آتش پوشیده می‌شود؛ بنابراین این یادداشت تلاشی است برای بستن راهی با بیل که در آینده با پیل هم نمی‌توان گرفت. به نظر می‌رسد کاربه‌دستان ما دارند در مورد نحوه مقابله با مهاجرت پزشکان اندیشه می‌کنند؛ این به خودی خود اتفاق بدیع و مهمی است اما باید گفت اگر هدف تخلیه هرچه بیشتر کشور از منابع استراتژیک خود باشد، این راه‌حل نجویایی قطعاً به ثمر خواهد رسید اما اگر علاج مهاجرت پزشکان موردنظر باشد، باید گفت چاره‌ای نیست جز آنکه بحران موجود در سیستم سلامت کشور با تمام ابعاد آن رویت شده، به رسمیت شناخته شود و نقش پزشکان در سیستم سلامت و حل آن به رسمیت شناخته شود. این راه‌حلی آسان و بدیهی است اما پذیرش آن توسط ذهنیت حاکم به‌غایت دشوار است. پزشکان فی‌ذاته و بنا بر اصول آموزشی‌شان برای کارهای سخت، پرمخاطره و مرگبار ساخته شده‌اند؛ دشواری‌هایی بدون تضمین موفقیت. گاه یک شب کشیک، ماجرای ترساک و پرهیجانی است که در هیچ فیلم و سریال ترسناکی یافت نمی‌شود. به‌علاوه هیچ‌کس جز پزشکان به ابعاد مختلف مشکلات سیستم سلامت آگاه نیست؛ بنابراین اشکال از جایی آغاز می‌شود که اختیار و مسئولیت ایشان



بابک زمانی

نورولوژیست



دکتر امیر صدری

پزشک و روزنامه‌نگار

خاطرات شمال محاله یادم بره…

این خط از ترانه قدیمی اشاره‌های است به بخش مهمی از حافظه جمعی چند نسل ایرانیان، شمال کشور دهه‌هاست در صدر مقاصد گردشگری کشور قرار دارد و هنوز هم تابستان‌ها و نوروزها و تعطیلات مناسبی با تراکم شدید و حتی بسته‌شدن جاده‌های منتهی به استان‌های شمالی روبه‌رو می‌شویم.

سفر از اصلی‌ترین تفریحات جمعی انسانی است و فرصتی است برای آرامش و تفریح، زیبایی‌های طبیعی بی‌نظیر و امکان استفاده از سواحل و جنگل‌های زیبا و تفریحات خاص در دسترسی در این مناطق، آزمون غذاهای سنتی و امکان خرید لباس و مصنوعات و دست‌سازهای محلی و موارد پرشمار دیگر از جمله جذابیت‌های مناطق شمالی کشور است که باعث می‌شود بسیاری از ایرانیان سختی سفرهای طولانی و ترافیک‌های اعصاب خردکن جاده‌های زیبا اما خطرناک قدیمی را به جان بخرند.

از کودکی یکی از نمادهای شمال برایم مردان و کودکان تابلوبه‌دستی بود که در دوران بچگی‌ام نوشته روی آن تابلوها «اتاق» بود و بزرگتر که شدم این نوشته شد؛ «ویلا».

در سفر اخیر بازهم همان داستان همیشگی سفر به شمال را شاهد بودم؛ به رغم سفر در یکی از روزهای میان هفته، جاده همچنان قفل بود و استفاده از دستشویی‌ها در بسیاری از مناطق پولی و قیمت غذا در رستوران‌های بین‌راهی همچنان در محدوده «سرگردنه‌ای» اما با دیدن تابلوهای دلنواز «ویلا» در دستان مردانه که حالا اتاقک‌های سیمانی برای کارشان دارند، غصه‌ها موقت فراموش شد و هجوم خاطرات دور و نزدیک و تلاش برای ساختن خاطراتی جدید آغاز.

اما… تعداد چادرهای برپاشده در سواحل، پارک‌ها، جنگل‌ها و میادین آن‌قدر زیاد بود که به هر پررنگ‌ترین تصویر سفر بدل شد، هیچ‌جای خط کناره از چادرها خالی نبود و صف‌های طولیل دستشویی‌های عمومی و شیرهای آب شرب، آن‌قدر خودنمایی می‌کرد که نمی‌شد نادیده گرفت‌شان، طبیعی است که اولین توضیح این چادرنشیني گسترده، هزینه گران اقامت در ویلاها و سوئیت‌ها و حتی اتاق‌هایی باشد که قیمت‌های‌شان برای بسیاری از مردم کشورم نه گران که نجومی است.

طبیعی است که اولین پاسخ به انتقادات درباب سختی‌های شرایط این گروه از مسافران پاسخ مشهور و معروف برخی مسئولان و مدیران باشد: «پول ندارند، مسفر نروند!» اما مگر نه اینکه «زندگی آبرومند و دارای حداقل‌های استانداردهای زندگی، حق هر انسان است» و مگر سفر رفتن داخلی با حداقل هزینه‌ها یکی از حداقل‌های استاندارد زندگی نیست؟ و مگر چنین سفرهایی حق هر انسانی نیست؟

مطمئنم که هیچ مدیر و مسئولی حال آن مسافران مانده در ترافیک‌های وحشتناک جاده‌های قفل‌شده قدیمی را که بعدا ساکن چادرهای کوچک در شب‌های گرم و شرجی می‌شوند، درک نمی‌کند و حکایت افراد اسیر صف‌های طولانی دستشویی را که خرید آب معدنی و نان و پنیر و تخم‌مرغ هم برایشان بسیار گران است، واقعا درک نخواهد کرد، من هم درک نمی‌کنم؛ چراکه در آن شرایط زندگی نکرده‌ام و فقط یک تماشاگر از دور بوده‌ام؛ اما حتی به‌عنوان تماشاگر هم وقتی باران‌های ناگهانی و سیل‌آسای شمالی سررسیدند، از فکر هزاران ساکن آن چادرهای یک‌لایه رهاشده به حال خود، درد در سرتاسر وجودم دوید.

ساده است بگویم «نان ندارید، بیسکویت بخورید» یا اینکه بگویم «شلوگی جاده‌های کشور نشان می‌دهد که وضع مردم آن‌قدرها هم بد نیست» اما سخت است فراهم‌کردن حداقل‌های یک زندگی آبرومند و شرافتمندانه که بتواند حال آدم‌ها را خوب کند، نه بد، سخت است فراهم‌کردن حداقل‌های زندگی که برای انسان‌ها امید بیافریند نه ناامیدی، شادی بیافریند، نه درد.



خبر خوانی

سردرگمی بازیگران در جشنواره‌های جهانی

سوزه چند روز گذشته فضای مجازی لباس و استایل بازیگران و کارگردانان ایرانی حاضر در جشنواره فیلم ونیز بود. همین چندماه پیش هم لباس بازیگران ایرانی در رویدادهای خارجی همین نقل محافل مختلف شد، به‌خصوص هنگامی که ترانه علیدوستی با بلوزی مشکی و



آمن خادمی

دامنی طوسی بر روی فرش قرمز جشنواره کن ظاهر شد. تضاد رنگ زیون با دامن طوسی ترانه علیدوستی باعث شوخی کاربران در فضای مجازی شد اما با نگاهی گذرا به لباس بازیگران ایرانی در اغلب جشنواره‌های ایرانی و جشنواره فیلم ونیز، درمی‌یابیم اغلب بازیگران ایرانی استایلیست ندارند؛ اما استایلیست‌ها چه کسانی هستند؟ همان کسانی که به چهره‌های شناخته‌شده یا هرکسی که علاقه‌مند باشد، مشاوره می‌دهند، چه لباسی را با چه لباسی هماهنگ کند و در هر مراسمی چگونه ظاهر شود. درواقع وظیفه استایلیست این است که لباس به تن افراد خوب به نظر برسد. ممکن است آنها برای یک برند خاص کار کنند، در این صورت وظیفه دارند مدل‌ها را به بهترین نحو بر روی صحنه یا فرش قرمز بفرستند. طوری که انتخاب نحوه آرایش صورت و مدل مو متناسب با لباس و اکسسوری، بر عهده اوست. تعیین اینکه هر لباس به تن چه مدلی بهتر می‌نشیند، توسط او صورت می‌گیرد. درست است که آنها فروشنده نیستند اما قطعاً حضور یک استایلیست در فروشگاه‌های برندهای لوکس ضروری است، تا به مشتریان مشهور و ثروتمند خود مشاوره بدهند. آنها در میزان فروش یک برند، نقش بسیار مهمی دارند. استایلیست خوب هنر «مد» را می‌شناسد و می‌داند که چگونه می‌توان ویژگی‌های مثبت افراد را با لباس پوشیدن به نمایش بگذارد. درواقع انتخاب لباس فرد که برای رویداد مورد نظر او مناسب باشد و قانع‌کردن مشتری با مشاوره صحیح برای پوشیدن انتخاب استایلیست، یک هنر است و این همان مهارت و هنری است که یک استایلیست حرفه‌ای دارد. شاید باورکردنی نباشد حتی برای لباسی که قرار است بروند سر کوجه «نان» بخزند. استایلیست تصمیم می‌گیرد. آنها مسئول خرید هستند و تصمیم می‌گیرند سلبریتی‌ها چه لباسی را با چه آبتمی کجا بپوشند. پس هرکس خوش‌لباس‌تر است به این مفهوم است که استایلیست بهتری استخدام کرده است. با این موارد معلوم است که برای انتخاب لباس سلبریتی‌ها در مراسم فرش قرمز مانند اسکار، گلدن گلاب و… چه پروسه طولانی‌ای صورت می‌گیرد.

اما برگردیم به استایل بازیگران ایرانی در جشنواره فیلم ونیز. نکته پررنگ امسال این بود که اغلب بازیگران چه مرد و چه زن از پالت رنگ‌های مشکی یا خنثی استفاده کرده‌اند؛ به‌طوری‌که تعداد زیادی از کاربران فضای مجازی با طنازی گفته‌اند بازیگران ایرانی این دوره از جشنواره الیزابت سیاه پوشیده‌اند. اما شاید دلیل اصلی استفاده از رنگ مشکی این است که معمولاً این رنگ برای همه مناسب است و ایرادهای اندامی و اشکالات دوخت و برش در آن کمتر نمایان است. موضوع بعدی که مشخص می‌کند بازیگران ایرانی به استایلیست اعتقادی ندارند، استفاده طراح‌ها از پارچه‌های لینن، کتان و تافته خشک بوده است. این نوع پارچه‌ها به دلیل چروک‌پذیری زیاد، زود از سر و شکل می‌افتد و مناسب مراسم رسمی با این میزان جنب‌وجوش زیاد مانند جشنواره‌های کن و ونیز نیست. داشتن آرایش یکسان بازیگران ایرانی حالا کم یا زیاد از دیگر ویژگی‌های نداشتن مشاور حرفه‌ای است و اغلب بازیگران با تم آرایشی مشابه در مراسم‌های مختلف جشنواره ونیز از جمله فوتکال یا فرش قرمز دیده می‌شوند.

همچنین بازیگران ایرانی به دلایلی از اهمیت زین‌آلات نظیر گوشواره، گردنبند و… غافل شوند اما نداشتن اکسسوری‌های متناسب با لباس یکی دیگر از معایب لباس‌های بازیگران محسوب می‌شود، برای مثال بهتر است با لباسی که تم سوزن‌دوزی بلوچ دارد از گوشواره یا گردنبند مشابه تم لباس استفاده کرد. تنها نقطه قوت لباس بازیگران ایرانی این دوره از جشنواره ونیز شاید اینست تم آبرنگی لیلیا حاتمی باشد که البته روسری یک رنگ از خود لباس کمی سبب ضعف در هماهنگی این بازیگر شده بود. با توجه به قامت بلند لیلیا حاتمی استفاده از توربان تک‌رنگ و کمربند تک‌رنگ با گوشواره بلند آویزان می‌توانست ظاهر او را بدون نقص رقم بزند. بسیاری در فضای مجازی نوشته بودند که لباس او یادآور لباس زنان عربی یا هندی پاکستانی است. درمجموع می‌توان لباس بازیگران ایرانی شرکت‌کننده این دوره از جشنواره فیلم ونیز را یکی‌برداری از مد ۵۰ سال پیش ایران، بدون هیچ نوآوری ارزبانی کرد یا یکی ناشایسته و بدون وسواس از لباس‌های سلبریتی جنجالی بین‌المللی.

آغاز فعالیت و ثبت‌نام در مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»

ثبت‌نام در مدرسه «شرق» از تاریخ ۲۰ شهریورماه شروع می‌شود و تا تاریخ نهم مهرماه ادامه دارد.

در این مدت هر روز به استثنای روزهای پنجشنبه و تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ ثبت‌نام به عمل خواهد آمد

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق» نخستین دوره فعالیت خود را آغاز می‌کند. برای دوره نخست کارگاه‌ها وورک‌شاپ‌هایی طراحی شده است که بتوانند هم برای این مدرسه نقطه آغاز مطلوبی را ایجاد کند و هم پیش‌درآمد مناسبی برای آینده مدرسه شرق باشد. در دوره نخست کارگاه‌ها وورک‌شاپ‌های مدنظر در جلسات متناوب و به مدت‌زمان دو یا سه ساعت برگزار می‌شود. سعی بر آن شده است که مدرسان هر کارگاه از میان متخصصانی انتخاب شوند که دانش خود را به‌صورت میدانی یا میدانی- آکادمیک فرا گرفته‌اند. برخی از مدرسان، روزنامه‌نگاران «شرق» هستند و سایر مدرسان نیز بعضاً با روزنامه «شرق» و فعالیت‌های آن ارتباط کاری تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. کلاس‌ها از هفته سوم مهرماه آغاز می‌شود. یک هفته قبل از برگزاری هر کارگاه یا ورک‌شاپ با متقاضیانی که ثبت‌نام کرده‌اند، تماس گرفته می‌شود و زمان دقیق جلسات به آنها اعلام خواهد شد. در کنار آن به هنر جوانان سرفصل‌های آموزشی ورزومه هر مدرس ارائه می‌شود.

برای ثبت‌نام وکسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از شهریه‌های هر کارگاه با شماره ۰۸۹۴۲۰۳۵ و ۰۹۱۲۳۰۸۵۰۲۳ تماس حاصل فرمایید.

نام کارگاه	نام مدرس	دریاره مدرس	جلسات، حضوری یا آنلاین
روزنامه‌نگاری اقتصادی	دکتر محسن ایلیچی	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۱۲ جلسه/ حضوری
تولید بر مبنای حرکت/ روزنامه‌نگاری میدانی* (آموزش کاربردی در محل تولید - روزنامه‌نگاری مولد)*	شهرزاد همتی <p>نیلوفر حامدی</p>	گزارش‌نویس شرق <p>دبیر سرویس اجتماعی شرق</p>	۶ جلسه حضوری/ میدانی
تکنولوژی و نوآوری در رسانه (شناخت فناوری‌های مدرن ارتباطی)	دکتر نفیسه زارع‌کهن	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۶ جلسه/ حضوری
ویدئو ژورنالیسم در اتمسفر ایران	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	۸ جلسه/ حضوری و آنلاین
صفر تا صد تولید در یک رسانه مولتی مدیا (خبر، گزارش، تصویر و ساخت تصویر…)			
روزنامه‌نگاری بحران و بعد از بحران	دکتر کتایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۸ جلسه/ حضوری
روایت‌نویسی و قصه‌پردازی به زبان رسانه	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	۳ جلسه/ حضوری
تکنیک‌های توئیتر نویسی خبری	مریم شکرانی	روزنامه‌نگار و فعال توئیتری	۳ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی و ضرورت‌های آن	سجاد فیروزی	دبیر سرویس ورزشی شرق	۵ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی از منظر تاریخ و جامعه	امیرحسین ناصری	دبیر تحریریه شرق	۵ جلسه/ حضوری
روابط عمومی پلت فرمی	دکتر حسین امامی	مدرس دانشگاه	۲ جلسه/ آنلاین
روابط عمومی تجاری*»	دکتر احمد یحیایی ایله‌ای	مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری
آموزش کاربردی ایندیزاین و نکات راهبردی فتوشاپ و ایلوستریتور	علی شهرایی	گرافیس‌ت روزنامه شرق	۱۴ جلسه حضوری/ عملیاتی
فیلمسازی و ارتباطات تصویری (در محدوده امکانات)	سعید نبی	مستندساز	۱۰ جلسه حضوری

• زمان هر جلسه بستگی به کار و تشخیص مدرس دارد (دو کلاس و دو مدرس)

•• زمان جلسه چهار ساعت است

نام ورک‌شاپ	نام مدرس	دریاره مدرس	ساعت/ حضوری	توضیحات
فرهنگ سازمانی رسانه	دکتر کتایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
بازخوانی کاربردی تجربه‌های رسانه‌ای	جلال خوش‌چهره	روزنامه‌نگار پیشگسوت	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روانشناسی ارتباطات	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روزنامه‌نگاری در فضای چندرسانه‌ای <p>چطور یک رسانه مولتی‌مدیا راه‌اندازی کنیم؟ <p>فرا رسانه/ مالتی مدیا</p></p>	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت

شرق